

امروز فقط یک بیمار کرونایی داریم که در تخت شماره ۱۲ بستری شده است. بقیه تخت‌ها خالی است و این چند نفر هم بیماری‌های دیگری دارند که به اورژانس مراجعه کرده‌اند.»

وضعیت اورژانس بیمارستان امام خمینی (ره) هم با هفته‌های قبل متفاوت است. آن طور که پرسنل بیمارستان می‌گویند از هر ۱۰ مراجعه‌کننده به اورژانس پنج نفرشان علائم کرونا داشتند ولی این روزها تعدادشان کمتر شده است. کانکس مقابل اورژانس همان جایی است که بیماران مبتلا به کرونا با درصد اکسیژن پایین خون در آن بستری می‌شوند. از پله‌ها پایین می‌روم. تخت می‌بینم و یک بیمار.

«از وقتی محدودیت‌ها اجرا شد ما بیمار کرونایی شهرستانی نداریم.» پرستار با لیخنه جواب سؤالاتم را می‌دهد. می‌گوید خدا کند اورژانس بیماران کرونایی همیشه این طور خلوت باشد: «امسال وقتی تعداد مبتلاها روز به روز بیشتر شد این کانکس را برپا کردند تا بیماران کرونایی را از بقیه بیماران جدا کنند. پیک دوم و سوم خیلی سخت بود. تعداد مریدان‌های بیمارستانی ما هم زیاد بودند. خیلی از آنها برای دیدن اقوام به تهران می‌آمدند و مبتلا می‌شدند. روزهای خیلی سختی داشتیم و پرستاران و پزشکان یکی یکی مبتلا می‌شدند. بیمارانی که اکسیژن خون پایین دارند اینجا بستری می‌شوند که در پیک سوم همه تخت‌ها پر شد و مجبور شدیم خیلی از بیماران را در بخش‌های دیگر بستری کنیم. واقعا خسته شده بودیم و بریده بودیم. اما از وقتی محدودیت‌ها اجرا شد هر روز تعداد بیماران ما هم کم شد. امروز فقط این خانم که مبتلا به لوپوس است و با سی‌تی اسکن مشخص شد کرونا دارد، اینجا بستری شده. باور کنیم با رعایت پروتکل‌های بهداشتی می‌توانیم این بیماری را کنترل کنیم. اگر هم واکسن بیاید باز هم باید پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کنیم تا هیچ وقت به روزهای اوج بیماری برنگردیم.»

جشن، میهمانی شبانه با جمع شدن در قهوه‌خانه‌ها نباشد تعداد مبتلایان هم کمتر می‌شود. یکی از همکاران ما تصور می‌کرد این محدودیت‌ها شوخی است و هفته گذشته به خانه یکی از دوستانش در کرج رفته بود ولی روز بعد وقتی پیامک جرمیه آمد، باور کرد این بار موضوع خیلی جدی است. امیدوارم این محدودیت‌ها ادامه داشته باشد.»

مقصد بعدی بیمارستان طالقانی است. یکی از مراکزی که اورژانس بیماران مبتلا به کرونا را به آنجا منتقل می‌کند. از نگهبان سراغ بخش اورژانس را می‌گیرم. با دست سربالایی را نشان می‌دهد. علائم را دنبال می‌کنم تا به اورژانس می‌رسم. یکی از پرستاران مشغول بخیه کردن دست مرد جوانی است. مرد ناله می‌کند و می‌گوید اگر سر نمی‌خورم دستگاه فرزندم را نمی‌برید. بقیه تخت‌ها خالی است و انگار منتظر کسی هم نیستند. خبری از لباس ایزوله و ماسک‌های بزرگ فیلتردار هم نیست و پرستاران با ماسک‌های معمولی پشت میز پرستاری آماده تحویل دادن شیفت هستند.

«خدا کند این روزها ادامه داشته باشد و با خیال راحت شیفت را تحویل بدهیم.» این را مریم می‌گوید که پرستار اورژانس است. می‌گوید وقتی اورژانس بیمارستان خلوت باشد یعنی حال مردم بهتر است: «از همان روزهای اول شیوع کرونا با اضافه کردن تخت، همه پرسنل اورژانس آماده باش بودیم. در هر پیک کرونا اینجا جای سوزن انداختن نبود. بیماران غیر کرونایی را در بخش روبرو بستری می‌کردیم و همه ۳۰ تخت اینجا را به بیماران مبتلا به کرونا اختصاص داده بودیم. تا همین چند وقت قبل تخت خالی نداشتیم و بعضی از روزها یادمان می‌رفت ناهار بخوریم. شرایط سختی بود اما بعد از قرنطینه و اعمال محدودیت‌ها ورق برگشت. خیلی‌ها در میهمانی و دورهمی مبتلا می‌شدند و ما اینجا مدام چند عضو یک خانواده را بستری می‌کردیم. اما با این محدودیت‌ها میهمانی‌ها هم کمتر شد.

که وضعیت حادی داشتند خیلی بیشتر بود. اما بعد از قرنطینه دو هفته‌ای تهران و منع تردد شبانه هر روز آمار بیماران با شیب ملایمی کم شد. وقتی اعلام کردند به دلیل کم شدن تعداد مبتلایان دو بخش کرونایی تخلیه و بعد از ضد عفونی برای بیماری‌های داخلی و تنفسی اختصاص پیدا کرده است همه خوشحال شدیم. الان فقط اورژانس و آی‌سی‌یو حاد تنفسی به بیماران مبتلا به کرونا اختصاص پیدا کرده و کسانی که وضعیت اورژانسی دارند اینجا بستری و در صورت نیاز به بخش منتقل می‌شوند.»

دنبال تابلوی علائم روی دیوار را می‌گیرم و به آی‌سی‌یو حاد تنفسی می‌رسم. از هفت تخت آی‌سی‌یو ۳ تخت خالی است. چهار بیمار دیگر بیهوش به دستگاه وصل شده‌اند و علائم حیاتی‌شان روی صفحه نمایش داده می‌شود. یکی از پرستاران مشغول نوشتن پرونده بیماران است و گاهی سرش را بالا می‌آورد و به مانیتور بالای سر بیمار نگاه می‌اندازد.

محمد پرستار آی‌سی‌یو امروز را یکی از بهترین روزهای این بخش می‌داند و می‌گوید وقتی سه تخت خالی باشد یعنی تعداد بیماران بدحال کمتر شده‌اند و می‌توانیم کمی نفس بکشیم: «خیلی شرایط بهتر از قبل شده و امیدواریم این وضعیت ادامه داشته باشد. امروز بیماری که نیاز به بستری در آی‌سی‌یو داشته باشد، نداشتیم و این خبر خوبی است. از ابتدای شیوع کرونا هفت بخش بیمارستان به بیماران مبتلا به کرونا اختصاص پیدا کرد اما با کم شدن مبتلایان، دو بخش بعد از ضد عفونی به فعالیت عادی‌شان خوبی دارند: «از اسفند سال گذشته که بیمارستان مسیح دانشوری سانتر کرونا شد هفت بخش اصلی بیمارستان برای بستری و درمان بیماران کرونایی اختصاص یافت. هر روز تعداد مراجعان بیشتر می‌شد و به همین دلیل چند کانکس در محوطه بیمارستان برای انجام آزمایش و معاینات بالینی قرار داده شد.

در هر پیک کرونا تعداد مراجعان و بستری‌ها زیاد می‌شد و تعداد بیماران



تهران

مشاهده میدانی از چند بیمارستان تهران پس از اعمال محدودیت در تردد

حال بیمارستان‌ها رو به بهبود است

یوسف حیدری
گزارش نویسن

سرپایینی تند و تیز را پایین می‌روم تا خودم را به اورژانس بیمارستان مسیح دانشوری برسانم. بیمارستانی که بعد از شیوع کرونا هر روز در صدر اخبار بوده چون نخستین بیمارستانی بود که سانتر کرونا شد و اولین بیمار مبتلا به کرونای تهران اینجا بستری شد. پیچ اول را رد می‌کنم و مقابل در اورژانس می‌ایستم. جایی که به گفته یکی از پرستاران تا چند هفته قبل بیماران مبتلا به کرونا مجبور بودند ساعت‌ها انتظار بکشند به امید خالی شدن یک تخت. نگهبان اورژانس رفت و آمدها را زیر نظر دارد و هر چند دقیقه به همراهان بیماران تذکر می‌دهد «باور نمی‌کنم بخش اورژانس بیماران

کرونایی این طور خلوت باشد.» علی این را می‌گوید و با دست مادرش را که در تخت شماره ۱۷ بستری شده، نشانم می‌دهد: «مادرم ۷۲ سال دارد و بعد از سکتة مغزی زمینگیر شده. نمی‌تواند حرکت کند، برایش پرستار گرفته‌ایم. از روز اول شیوع کرونا هم از خانه بیرون نیامد و مامهم وقتی به دیدنش می‌رفتم همه پروتکل‌های بهداشتی را رعایت می‌کردیم. اما هفته قبل مبتلا شد. چند روز اول وضعیت عمومی‌اش خوب بود اما وقتی اکسیژن خون به ۷۰ رسید پزشک اورژانس گفت باید به بیمارستان منتقل شود. وقتی مرکز اورژانس اعلام کرد باید مادرم به بیمارستان مسیح دانشوری منتقل شود اول قبول نکردیم چون وضعیت را قبلا دیده بودیم. آبان ماه وقتی برادرم مبتلا شد او را همین‌جا

آوردیم ولی آنقدر تعداد مبتلایانی که توی حیاط منتظر بودند تخت خالی شود، زیاد بود که خدا می‌داند. وضعیت خیلی بدی بود. اینجا جای سوزن انداختن نفس کادر درمان و پرستاران با همه خستگی سعی می‌کردند به بیماران رسیدگی کنند ولی چنان جمعیت بیماری اینجا بود که نمی‌شد. سرانجام برادرم را در یک بیمارستان خصوصی بستری کردیم. با همین ذهنیت هم مادرم را با آمبولانس اورژانس اینجا آوردیم. ولی فضا عوض شده بود. نور نمی‌کردم بیمارستان این طور خلوت باشد و اورژانس تخت خالی داشته باشد. بلافاصله بستری کردند و کارهای درمانی انجام شد. الان هم می‌بینید که نه از صف خبری هست نه از بیماری که بیرون نشسته باشد. ای کاش این وضعیت ادامه داشته باشد و خیلی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۵۶۷

آسان								
۲	۴	۹		۷	۶	۸		
۳				۴			۷	
۷	۶	۸					۴	
	۹		۲	۸				
			۳	۷				
			۹	۱	۵			
۹				۵	۴	۲		
۴	۵		۹	۴	۷	۱		

سخت								
	۶		۴		۷			
	۵		۹	۸				
۴		۵		۳		۲		
	۴			۸		۵		
					۶			
۳		۵						
۹	۸		۱			۳		
		۸		۲		۱		

متوسط								
۱	۴		۵	۸				
۸		۹		۶				
			۳	۱			۷	
	۶	۴						
	۵	۸		۷	۴			
				۸				
۶	۷	۳						
			۲		۶			۴
			۸	۶			۷	۵

خیلی سخت								
		۱	۹		۵			
			۸					
	۳	۲						
۵			۷					
				۴	۳		۱	
	۱		۶				۷	
۸	۳	۱						
			۳					۸
		۶		۷	۵			

حل جدول سودوکو شماره ۲۵۶۷								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹
۸	۵	۸	۶	۱	۷	۴	۲	۳
۷	۸	۱	۶	۵	۲	۳	۴	۹
۶	۸	۷	۵	۱	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۷	۴	۱	۸	۵	۳	۲
۳	۵	۴	۱	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۴	۵	۲	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۴	۱	۶	۵	۲	۳	۷	۹
پاسخ								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹
۸	۵	۸	۶	۱	۷	۴	۲	۳
۷	۸	۱	۶	۵	۲	۳	۴	۹
۶	۸	۷	۵	۱	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۷	۴	۱	۸	۵	۳	۲
۳	۵	۴	۱	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۴	۵	۲	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۴	۱	۶	۵	۲	۳	۷	۹
پاسخ								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹
۸	۵	۸	۶	۱	۷	۴	۲	۳
۷	۸	۱	۶	۵	۲	۳	۴	۹
۶	۸	۷	۵	۱	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۷	۴	۱	۸	۵	۳	۲
۳	۵	۴	۱	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۴	۵	۲	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۴	۱	۶	۵	۲	۳	۷	۹
پاسخ								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹
۸	۵	۸	۶	۱	۷	۴	۲	۳
۷	۸	۱	۶	۵	۲	۳	۴	۹
۶	۸	۷	۵	۱	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۷	۴	۱	۸	۵	۳	۲
۳	۵	۴	۱	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۴	۵	۲	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۴	۱	۶	۵	۲	۳	۷	۹
پاسخ								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹
۸	۵	۸	۶	۱	۷	۴	۲	۳
۷	۸	۱	۶	۵	۲	۳	۴	۹
۶	۸	۷	۵	۱	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۷	۴	۱	۸	۵	۳	۲
۳	۵	۴	۱	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۴	۵	۲	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۴	۱	۶	۵	۲	۳	۷	۹
پاسخ								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹
۸	۵	۸	۶	۱	۷	۴	۲	۳
۷	۸	۱	۶	۵	۲	۳	۴	۹
۶	۸	۷	۵	۱	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۷	۴	۱	۸	۵	۳	۲
۳	۵	۴	۱	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۴	۵	۲	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۴	۱	۶	۵	۲	۳	۷	۹
پاسخ								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹
۸	۵	۸	۶	۱	۷	۴	۲	۳
۷	۸	۱	۶	۵	۲	۳	۴	۹
۶	۸	۷	۵	۱	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۷	۴	۱	۸	۵	۳	۲
۳	۵	۴	۱	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۴	۵	۲	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۴	۱	۶	۵	۲	۳	۷	۹
پاسخ								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹
۸	۵	۸	۶	۱	۷	۴	۲	۳
۷	۸	۱	۶	۵	۲	۳	۴	۹
۶	۸	۷	۵	۱	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۷	۴	۱	۸	۵	۳	۲
۳	۵	۴	۱	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۴	۵	۲	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۴	۱	۶	۵	۲	۳	۷	۹
پاسخ								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹
۸	۵	۸	۶	۱	۷	۴	۲	۳
۷	۸	۱	۶	۵	۲	۳	۴	۹
۶	۸	۷	۵	۱	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۷	۴	۱	۸	۵	۳	۲
۳	۵	۴	۱	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۴	۵	۲	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۴	۱	۶	۵	۲	۳	۷	۹
پاسخ								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹
۸	۵	۸	۶	۱	۷	۴	۲	۳
۷	۸	۱	۶	۵	۲	۳	۴	۹
۶	۸	۷	۵	۱	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۷	۴	۱	۸	۵	۳	۲
۳	۵	۴	۱	۷	۲	۹	۸	۶
۱	۴	۵	۲	۶	۳	۷	۸	۹
۸	۴	۱	۶	۵	۲	۳	۷	۹
پاسخ								
۴	۱	۷	۸	۵	۱	۵	۲	۶
۷	۶	۴	۱	۸	۵	۲	۳	۹